

نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هفتم، شماره بیست و ششم، پاییز ۱۳۹۵

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸، شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۴

<http://jupm.miau.ac.ir/>

صص ۲۰-۱

سنجش و رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر در تقسیمات محله‌ای (مورد: محله‌های

درکه و قیطریه منطقه یک کلانشهر تهران)

جمیله توکلی‌نیا: عضو هیأت علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

فرانک سعیدی‌فرد: کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و مدرس دانشگاه غیرانتفاعی آبا، تهران، ایران*

نویخت سبحانی: دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

محله‌ها به‌عنوان یکی از عناصر اصلی مدیریت شهری و نمادی از یک شهر سنتی اسلامی از گذشته تا امروز مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته‌اند. تقسیمات محله‌های شهری از دوره اسلامی تا دوره جدید دستخوش تغییر و تحول شده است. محله بندی در گذشته بر اساس شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته است و در دوران معاصر بر اساس شاخص‌های کالبدی، سیاسی و اقتصادی صورت گرفته است. منطقه ۱ شهر تهران نیز که شامل روستاهای قدیمی تغییر شکل یافته و محله‌های جدید شهری است، با توجه به شرایط پیش‌آمده، ناشی از مرزبندی‌های جدید با مشکلاتی چون جدایی‌گزینی اجتماعی، تفکیک فضایی درون محله، درهم‌ریختگی کاربری‌ها و محدودیت‌ها و مشکلات خدمات‌رسانی روبرو است. پژوهش حاضر با تحلیل شاخص‌های تقسیمات محله‌ای تدوین شده است. روش بکار گرفته شده توصیفی-تحلیلی است که از روش چندمعیاره (تاپسیس) جهت مرزبندی محلات مورد مطالعه استفاده شده است. نتایج حاصل از مدل تاپسیس منعکس‌کننده این مطلب است که در بین مؤلفه‌های مورد سنجش در بین دو گروه ساکنان محله و مسئولان، ویژگی اجتماعی و فرهنگی بیشترین نقش را در مرزبندی محلات داشته است تلفیق آن‌ها با شاخص‌های سیاسی، اداری، کالبدی و اقتصادی که کارایی بیشتری در مرزبندی محلات به همراه خواهد داشت. در نتیجه شاخص‌های مورد ارزیابی با در نظر گرفتن شرایط بومی، تأکید بر عناصر طبیعی محلات، ویژگی‌های مشترک فرهنگی ساکنان، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی محلات، منافع مشترک مادی و معنوی با توجه به نشانه‌های هویت‌زا و با در نظر گرفتن مشارکت مردم در تعیین حدود محله حائز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار شهری، برنامه‌ریزی محله محور، محله، تقسیمات محله‌ای (محله بندی)، منطقه یک

شهرداری تهران

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی اجرایی با حمایت مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران است.

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

ضرورت بررسی محله و شناخت ابعاد آن در برنامه‌ریزی شهری، ضمن دارا بودن ارزش‌های نظری، از ابعاد کاربردی کاملاً مشخص نیز در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و به‌ویژه در کلان‌شهرها برخوردار هست. تقسیمات محله‌ای و مرزبندی محله‌های شهری از دوره اسلامی تا دوره جدید دستخوش تغییر و تحول شده است. محله بندی در گذشته بر اساس شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته است اما در دوره معاصر اصول فرهنگ بومی - اسلامی و درون‌گرایی محله‌های شهری کم‌رنگ گردید و احداث خیابان‌های متقاطع و وسیع باعث ازهم‌گسیختگی ساختار بازار و بافت‌های شهری و محلات تاریخی شد. در قانون تشکیل شوراهای اسلامی در سال ۱۳۶۱ نیز برای اداره‌ی چنین واحد شهری خرد مقیاس در شهر، تشکیل شورای محله پیش‌بینی گردید و بر اساس تبصره ۲ ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۳/۴/۱۵ محله یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین تقسیمات کشوری معرفی شد.

کلان‌شهر تهران نیز با قدمت تاریخی و به‌عنوان مهم‌ترین شهر کشور در دوره‌های رشد و گسترش خود با تغییر مرزهای محله‌ای روبه‌رو بوده است. مرزبندی محله‌های شهری تهران نیز در گذر زمان متناسب با دگرگونی‌های نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متحول شده است. احداث شبکه‌های جدید ارتباطی، جابجایی وسیع جمعیتی درون‌شهری و به وجود آمدن مشاغل جدید، همراه با برنامه‌های خدماتی شهر بر روی این نوع مرزبندی‌ها تأثیر

گذاشته، به‌گونه‌ای که مرزبندی محله‌های شهری تهران بعد از انتخابات شورای شهر در سال ۱۳۷۸ و آغاز فعالیت شورایی‌ها در سال ۱۳۸۰ دستخوش تغییر و تحول گردید.

امروزه محله بندی و معیارهای و شاخص‌های تقسیم‌بندی محلات با آنچه که در گذشته جریان داشته تفاوت دارد. به صورتی که بعضی از محله‌های کنونی با تقسیم و جدا شدن محلات قبلی به وجود آمده‌اند به نحوی که خط تقسیم و تفکیک محله‌ای موجب گسست اجتماعی محلات سنتی و قدیمی شده است. انضمام روستاها به شهر، تغییر شکل محله‌های قدیمی، محله‌های مهاجرپذیر و افزایش تراکم در بعضی از محلات بر مشکلات افزوده است.

منطقه ۱ شهر تهران نیز که شامل محدوده‌های روستاهای تغییر شکل یافته و نیز محله‌های جدید شهری است، با توجه به شرایط پیش‌آمده، در نتیجه مرزبندی‌های جدید با مشکلاتی چون جدایی‌گزینی اجتماعی، تفکیک فضایی درون محله، درهم‌ریختگی کاربری‌ها و محدودیت‌ها و مشکلات خدمات‌رسانی روبرو است.

در این پژوهش سعی می‌شود تا با مطالعه و بررسی روند تغییرات تقسیمات محله‌ای در تهران، به‌ویژه منطقه ۱ شهرداری تهران و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن و شاخص سازی، الگوی بهینه برای دستیابی به پایداری شهری ارائه شود.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

اولین و مهم‌ترین گام در هر نوع برنامه‌ریزی محیطی تعیین محدوده‌ی برنامه‌ریزی و تشخیص واحدهای تشکیل‌دهنده‌ی آن است. در واقع اساس توزیع و تخصیص کاربری‌ها و تعیین استانداردها و سرانه‌های

۳-۱- اهداف

- شناخت وضعیت گذشته و موجود تقسیمات محله‌ای
- ارائه شاخص‌های تعیین حدود مرز تقسیمات محله‌ای
- ارائه پیشنهادات و الگوی بهینه در نحوه مرزبندی تقسیمات محله‌ای در راستای بررسی فرصت‌ها با در نظر گرفتن شاخص‌های تعیین شده

۴-۱- پیشینه پژوهش

- مهدی تحصیلاکار و حبیب فزلق در پایان‌نامه‌ای جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی دانشگاه تهران با عنوان ضوابط و معیارهای تعیین محله شهری شاخص‌های مرزبندی محله‌ها را در هر دوران مشخص کرده‌اند.
- مجید عبدالمهدی در رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی با عنوان ساختار محله‌های پایدار شهرهای ایران (گذشته، اکنون و الگوی آتی) با تأکید بر شیراز، باهدف ایجاد محله‌های پایدار، به توصیف شکل و نوع محله‌ها در دوران مختلف پرداخته است و عوامل ایجاد ناپایداری در این محله‌ها را شناسایی می‌کند.
- فرید صارمی در پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی با عنوان توسعه محله‌ای در کلان‌شهر تهران (مطالعه موردی: محله بهار) زمینه مناسبی را در طراحی برنامه‌های محله و در تحقق مطلوب آن‌ها فراهم می‌نماید.
- ماتئو جی. اس. بالدین در سال ۱۹۹۷ در مطالعه خود با عنوان فرهنگ و توسعه محله‌های شهری در دانشگاه McGill کشور کانادا، به نقش فرهنگ در

شهری بر پایه‌ی تقسیمات فضایی کالبدی شهر استوار است (پورمحمدی، ۱۳۸۸: 53).

بررسی و تشخیص تقسیمات درون شهرها علاوه بر تبیین شفاف‌تر ساختار کالبدی شهر می‌تواند به بهبود و سازمان‌دهی نظام تقسیمات در جهت کار آیی مدیریت شهری، ارتقاء و تقویت حس همبستگی شهروندی، پایداری شهری، تقویت حس مکان و انطباق با نیازها و تغییرات جدید در زندگی شهر منجر شود (معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، ۱۳۸۲: ۲۹).

بررسی و مطالعه عوامل اثرگذار در شکل‌گیری محله‌های شهری (ملاک‌ها و معیارهای تعیین محدوده محله‌ها) از این حیث دارای اهمیت است که آنچه باعث شکل‌گیری، قوام و یکپارچگی و انسجام محله‌ها در گذشته می‌شده، وجود نوعی همبستگی و اتحاد (هرچند غیررسمی) در میان افراد محله بوده است که این اتحاد و همبستگی نقش مهمی در حمایت هم‌محله‌ای‌ها از همدیگر، تعاون و همکاری و مشارکت بین آن‌ها در امور محله داشته است. و برخلاف گذشته آنچه امروز در محله‌های شهری شاهدیم نوعی واگرایی و احساس بیگانگی افراد محله نسبت به همدیگر است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۲). با مطالعه چگونگی تقسیمات محله‌ای در ادوار مختلف و ارائه شاخص‌های مناسب جهت محله بندی، در مسیر افزایش هویت محله‌ها و در نتیجه افزایش مشارکت مردم محله و سرمایه‌ی اجتماعی بیشترین گام را خواهیم برداشت و از نشان از اهمیت خاص آن است.

اجتماعات محلی برای حفظ پایداری محله‌ها توجه دارد.

- نهاد برنامه‌ریزی شهر تهران به همراه مهندسين مشاوران در سال ۱۳۸۸ طرح اصلاح تقسیمات شهر تهران را تهیه کرده است. در نهایت پیشنهاداتی ارائه گردیده است که در منطقه ۱ عنوان شده است:

محله محوری باید مدنظر باشد، مسائل جغرافیایی مانند توپوگرافی و رود دره‌ها اهمیت دارند، رفع مشکلاتی نظیر تناقض در ضوابط و مقررات دو طرف رودخانه در که مهم است.

- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در سال ۱۳۷۲ گزارشی با عنوان گزارش تقسیم‌بندی محله و منطقه در شهر تهران داشته است که به بررسی تقسیمات محله پرداخته شده است

با توجه به نتایج حاصل از مطالعات انجام شده، تاکنون در تقسیمات محله‌ای به معیارهای و شاخص‌های کالبدی و اداری توجه شده است که امروزه باعث گسستن روابط اجتماعی بسیاری از محلات گشته است. مطالعاتی هم در جهت شناخت معیارهای تقسیم‌بندی محلات در دوران مختلف صورت گرفته است که به توصیف شکل و نوع محله‌ها در دوران مختلف پرداخته‌اند و عوامل ایجاد ناپایداری در این محله‌ها را شناسایی کرده‌اند. در این پژوهش دانشگاهی بیشترین تأکید بر روی شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی است. استفاده از شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی در مرزبندی محله‌های منطقه ۱ شهر تهران، به‌ویژه با تأکید بر همبستگی اجتماعی و تعلق مکانی، کارایی بیشتری نسبت به شاخص‌های کالبدی و اقتصادی دارند.

۵-۱- سوالات تحقیق

- عوامل مؤثر در تغییر مرزبندی محله‌های شهری منطقه ۱ شهر تهران کدامند؟
- کدام یک از شاخص‌ها بهتر می‌توانند برای تعیین مرزهای محله‌ای در منطقه ۱ تهران به کار بروند؟

۶-۱- فرضیات تحقیق

• تصمیمات اداری - سیاسی، ساخت‌وسازهای جدید و فعالیت‌های عمرانی به‌ویژه احداث شبکه‌های جدید ارتباطی موجب تغییر مرزهای قدیمی محلات منطقه ۱ شده است.

• استفاده از شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی در مرزبندی محله‌های منطقه ۱ شهر تهران، به‌ویژه با تأکید بر همبستگی اجتماعی و تعلق مکانی، کارایی بیشتری نسبت به شاخص‌های کالبدی و اقتصادی دارند.

۷-۱- روش تحقیق

با توجه به رویکرد پژوهش حاضر، نوع تحقیق «کاربردی - توسعه‌ای» و روش بکار گرفته شده «توصیفی - تحلیلی» است. داده‌های موردنیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای از منابع مختلف آماری جمع‌آوری و در ارتباط با وضع گذشته و موجود با توصیف عناصر و عوامل اصلی در مرزبندی محله‌های شهری به تحلیل آثار حاصله و روابط بین متغیرهای تحقیق پرداخته شد. با توجه به عوامل و متغیرهای موجود در پژوهش از تکنیک تاپسیس بهره گرفته شده است تا میزان اثرگذاری و کارایی هر یک از معیارهای موردسنجش در مرزبندی محلات مشخص گردد. بنابراین جامعه آماری این تحقیق منطقه یک شهرداری تهران و حجم نمونه محله‌های درکه و

در تعریفی دیگر از محله، که با روح ایرانی سازگاری بیشتری دارد، محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید که خانواده‌ها نسبت به محله خود همان احساس خانه مسکونی خود را دارند. (شکویی، ۱۳۷۲: ۴۸-۵۰)

محله یک واحد جغرافیایی شهری است که آن را نه عوارض و پدیده‌های طبیعی بلکه بیشتر قابلیت ارائه خدمات شهری معین می‌نماید (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۱۵۰) طرح جامع^۱ تهران محله را به صورت یک مجتمع زیستی متشکل از ۱۰۰۰ خانوار یا ۴ تا ۵ هزار نفر جمعیت با شعاع دسترسی ۵۰۰ متر و با وسعتی معادل ۷۵ هکتار تعریف نموده که ملاک عملی برای تمامی شهرهای کشور گردید. (وزارت کشور، ۱۳۷۸: ۶۸)

۲-۲- توسعه پایدار شهری^۲

توسعه پایدار شهری به روند بهشت اجتماع بدون رشد فزاینده از ظرفیت حامل بوم‌شناسانه اطلاق می‌شود که در آن پایداری زیست‌محیطی (هدف برقراری تعادل اکولوژیک) در کنار پایداری اجتماعی (باهداف برقراری عدالت اجتماعی) و پایداری اقتصادی (باهداف فراهم‌سازی زمینه برای بقای اقتصادی) وجود دارد (صرافی، ۱۳۷۹: ۴۴-۳۸). توسعه پایدار در ارتباط با شهر، افزایش روابط اجتماعی در محلات، افزایش هویت و حس تعلق در محلات، تنوع کاربری‌ها، عدم تمرکز شهری، ایجاد اشتغال محلی، ساختار اجتماع متعادل و حمل‌ونقل هوشمند است. (Brehany & Rockwook, 1994, pp. 159_160; Edward, 1991, pp 210_223; Herbert,

قیطریه است. روایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ با عدد ۰.۸۹ اثبات می‌شود.

۲- مبانی نظری

۲-۱- محله

یکی از تقسیمات کوچک شهر و به عنوان سلول زندگی حیات شهری است و جزئی از سازمان فضایی شهر است که در آن روابط افراد به شکل رو در رو است و محله ممکن است با توجه به هر کدام از جنبه‌ها و معیارهای زیر تعریف گردد: ۱. مناسبات اداری: به وسیله‌ی مرزها و محدوده‌ها ۲. زیبایی‌شناختی: به وسیله‌ی ویژگی‌های بارز و قدمت توسعه ۳. اجتماعی: از دید و نگاه ساکنان در محله ۴. عملکردی: به وسیله‌ی محدوده‌ی خدماتی ۵. زیست‌محیطی: به وسیله‌ی فضاهایی با ترافیک آرام و روان و کیفیت بالای زیست‌محیطی (Borton, 2003: 16_17)

محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید و شرایط لازم برای تشکیل یک محله شهری عبارت‌اند از: ۱. دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر ۲. پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک از گروهی از مردم شهر

۳. وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم.

(Thomlison, 1969: 181)

در فرهنگ جغرافیای انسانی، محله به‌عنوان بخشی از یک ناحیه شهری است که در آن روابط چهره به چهره حاکم است. محله یک اجتماع محدود شده از نظر فضایی است که اغلب افراد غیر محلی آن را سریع‌تر از ساکنانش درک می‌کنند (Johnston & et al, 2001).

¹ Comprehensive Plan

² Sustainable Development

عمده بناهای عمومی را نام برد. (بحرینی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۴). برخی از معیارهای این وحدت شامل وحدت و تنوع فضایی، مرکزیت، تعامل و هماهنگی، توازن، پیوستگی فضایی، سلسله مراتب، تجانس، هویت، مشارکت، تأکید بر روابط اجتماعی و ترکیب و انسجام محله است (عبدالمهر، ۱۳۹۰: ۱۲-۵۵). به‌طور کلی ساختارگرایان مرزها، راه‌ها و ساختارها را مورد بررسی قرار می‌دهند. راه‌ها یکی از اجزای اصلی استخوان‌بندی است که طی زمان در محلات تغییراتی ایجاد کرده است و مرز محلات را تغییر داده است. تئوری ساختارگرایی از همین زمان به بعد مورد مطالعه قرار گرفته است که به دنبال پیوستگی محلات و نظم ساختاری شهر است.

۲-۴- محله و نظریه‌ی نوشهر گرایی^۳

نوشهر گرایی با دیدگاه آن در ارتباط با محلات با TND^۴ شناخته می‌شود. اصول طراحی محله از دیدگاه نوشهرسازی، بازگشت به الگوی توسعه محلات سنتی را ضروری می‌داند تا با آن بتوان به جامعه پایدار و کاربردی دست یافت. یک محله خوب شامل اجزایی است که شامل مشخص بودن مرز و مرکز محلات، فاصله کوتاه ساکنان با مرکز محله (۵ دقیقه پیاده‌روی)، وجود روابط و سرمایه بالای اجتماعی، تنوع در کاربری‌ها، برطرف شدن نیازهای هفتگی ساکنان در لبه محلات، وجود هویت و حس تعلق، وجود فضاهای بازی برای همه، طراحی پیوسته خیابان‌ها و عدم تمرکز ترافیک، سهولت حرکت عابران پیاده و دوچرخه‌سواران در خیابان‌ها و

181_177, pp. 1992). به هر حال برای رسیدن به توسعه پایدار بهتر است که از مقیاس کوچک‌تر یعنی محله آغاز کنیم و در مسیر توسعه پایدار شهری از توسعه محلی شروع کنیم. فاکتورهای زیر برای پایداری توسعه محلی اساسی هستند:

➤ مرزبندی بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی محلات

➤ افزایش مشارکت مردمی و سرمایه اجتماعی

➤ تقاضا و مالکیت از جامعه

➤ افزایش هویت و حس تعلق

➤ امکان‌پذیری، برنامه‌ریزی بر پایه نیازها

➤ عدم تمرکز و انتقال مسئولیت‌ها و منابع

➤ تعهدهای سیاسی و حمایت‌های اداری

➤ محیط مساعد و فاکتورهای فرهنگی - اجتماعی

➤ استفاده از تکنولوژی مناسب که در سطح محلی

پایدار باشد

➤ مدیریت مالی شفاف و کارا در راستای مرزبندی و

مدیریت صحیح محلات

➤ پردازش‌های مؤثر و ارزیابی‌های دوره‌ای

➤ پایداری سیاسی (World Health Organizatin: 2003: 7).

بنابراین توسعه پایدار باید در سطح محلی

مقدس شمرده شود و این پایداری تنها می‌تواند در

مرزهای مشخص و با تعیین عناصر ساختاری -

کارکردی محله امکان‌پذیر گردد.

۲-۳- تئوری ساختارگرایی در طراحی شهر

از جمله تئوری‌های معاصر که دستیابی به وحدت را

از اهداف خود قرار داده است و بخش اصلی یا همان

ساختار اصلی شهر، مجموعه عملکردها، کاربری‌ها و

عناصر مختلف و متنوع شهری است که به‌عنوان

نمونه می‌توان محورهای اصلی ارتباطی، فضاهای باز

³ New Urbanism

⁴ Traditional Neighborhood Development

استانداردها و سرانه‌های شهری بر پایه‌ی تقسیمات فضایی_کالبدی شهر استوار است. به همین دلیل می‌توان گفت بسیاری از مسایل و مشکلات شهرهای کشور با مشکلات تقسیمات شهری آن ارتباط دارد (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۹). حدود مرزهای قطعی و روشن محله می‌تواند به بهبود بخشی و ارتقای هویت گسترده نیز تأثیر مثبت داشته باشد و به ترغیب توسعه و گسترش برهم‌کنش‌های کارکردی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه منجر شود (محمدزاده، ۱۳۸۵: ۴۴).

تحت چنین شرایطی، تقسیمات کالبدی و ایجاد سلسله‌مراتب فضایی شهر در جهت اهداف و مقاصد از جمله اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جزو آن صورت می‌گیرد (پاپلی یزدی و حسینیون، ۱۳۶۶: ۹۸-۳۷) که محلات در گذشته بیشتر برای این اهداف تقسیم‌بندی می‌شدند:

- گاهی برای سهولت اداره‌ی شهرها آن‌ها را به محلاتی تقسیم کرده‌اند
- در بعضی مواقع برای جدا کردن گروه‌های مختلف دینی و مذهبی از یکدیگر این امر صورت گرفته است. مثل محله‌ی یهودی‌ها زرتشتی
- در بسیاری از شهرها جدایی طبقاتی جدایی محله را در برداشته است نظیر محله‌ی اغنیا و فقرا
- گاهی مسائل نظامی سیاسی به علت تقسیم‌بندی شهر مثل اراک و محله‌ی حاکم‌نشین که خود محله‌ای را تشکیل می‌داده است
- جدایی شغلی نظیر محله‌ی مسگرها
- گاهی عوامل طبیعی مانند وجود رودخانه، تپه و جزو آن باعث جدایی محلات یک شهر از محله - دیگر شده است.

سازمان‌دهی خودمختار محلات است (steuteville) (2004).

در این پژوهش، جهت مشخص کردن بهترین شاخص‌های تقسیمات محلات، بازگشت به رویکرد توسعه سنتی (نظریه نوشهر گرایی)، بهره‌گیری از شاخص‌های توسعه پایدار به منظور کاهش حداکثری مشکلات محیطی و اجتماعی و سنجش میزان وحدت، اتحاد نهادهای محله‌ای، محله‌ای سالم، پیوستگی فضایی، تجانس، هویت، مشارکت و انسجام محله مدنظر است. شاخص‌های مرزبندی محلات بر مبنای اصول و اهداف توسعه پایدار، نوشهر گرایی و مکتب ساختارگرایی با شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار پایدار و مناسب است.

۲-۵- تقسیمات محله‌ای (محله بندی)^۵

یکی از ابزارهای چیره شدن بر پیچیدگی شهر تقسیمات شهری است که اصالتاً همزاد شهر بوده که در هر زمان با نیاز ادواری تحول شهر هم نواخت شده است (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸۸: ۱). تقسیمات شهری عبارت از تقسیم شهر به سلسله‌مراتب مدیریتی (حوزه، منطقه، ناحیه و محله) جهت ارائه خدمات و اداره امور شهری در محدوده تعیین شده است (شمس‌الدینی، ۱۳۹۰: ۱۲). برای تأمین محیط‌زیست مطلوب شهری نیاز به تقسیمات کالبدی _ فضایی مناسبی است که محله در آن رکن اصلی و اساسی و محله بندی بر اساس معیارهای شهرسازی، مهم‌ترین اقدام آن به شمار آید تا از این طریق معیارهای قابل انطباق محله بندی شهر، معین و بستر لازم برای توسعه‌ی مدیریت شهری فراهم شود. در واقع اساس توزیع و تخصیص کاربری‌ها و تعیین

⁵ Neighborhood Devision

(کمی و کیفی) صورت گیرد می‌تواند زمینه‌هایی برای شکل‌گیری شورا و مدیریت محله‌های که از آن طریق می‌تواند به مزایای زیردست یافت: افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، انتخاب واقعی شورای شهر و شهردار، کاهش هزینه‌های سنگین شهرداری در جهت کنترل توسعه‌ی فیزیکی شهر با انتخاب نگهبان و پلیس محله، سهولت ارائه‌ی خدمات شهری و شکل‌گیری شورای حل اختلاف (قضایی) محله باشد (پورمحمدی، ۱۳۸۸).

۲-۷- مشکلات تقسیمات محله‌ای

با توجه به اینکه اعمال تقسیمات شهری برای شهرها بدون مطالعه و به‌کارگیری اصول علمی، مشکلاتی را از جنبه‌های کالبدی، مدیریتی و اجتماعی به بار خواهد آورد، لذا بررسی و ارزیابی معیارهای مرزبندی کنونی این تقسیمات نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است تا ضمن ارزیابی میزان کارایی معیارهای قبلی به‌روش‌های صحیح‌تر و مناسب‌تر برای رسیدن به وضعیت مطلوب پیشنهاد گردد. از زمانی که شاخص‌های سیاسی - اداری و شبکه‌های ارتباطی در مرزبندی محله‌ها به‌جای شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته شد، مشکلات ظهور پیدا کرد. به‌طوری‌که با ورود اتومبیل به زندگی شهری (دوره معاصر)، نظام محله بندی به میزان زیادی به هم ریخته است. انسجام بسیاری از محلات با احداث خیابان‌های عریض یا بزرگراه‌ها از بین رفته است. محلاتی که تا چندی پیش اهالی آن برای انجام فرایض دینی خود در مسجد محله اجتماع می‌کردند و حتی در خصوص حل مشکلات محله‌ی زندگی خود نیز به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند، با عبور بزرگراه‌ها و خیابان‌ها از محله خود، ناخواسته از

در حالی که امروزه این اهداف بیشتر برای سازمان‌دهی نظام تقسیمات در جهت کارایی مدیریت شهری، اداره بهتر امور محلی، فراهم کردن زمینه برای عرضه‌ی خدمات و تأمین بهتر نیازهای اساسی مردم و توسعه رفاه اجتماعی و اقتصادی، نظارت سیاسی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها، فراهم کردن زمینه مساعد برای مشارکت مردم است (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۵) صورت می‌گیرد.

۲-۶- مزایای تقسیمات محله‌ای

بسیاری از مسائل و مشکلات شهرهای کشور با مشکلات تقسیمات شهری آن ارتباط دارد آن چنانکه مدیریت شهری امروزه از آن رنج می‌برد. بنابراین برای تأمین محیط‌زیست مطلوب شهری نیاز به تقسیمات کالبدی فضایی مناسبی است که محله در آن رکن اصلی و اساسی و محله بندی بر اساس معیارهای شهرسازی، مهم‌ترین اقدام آن به شمار آید تا از این طریق معیارهای قابل انطباق محله بندی شهر معین و بستر لازم برای توسعه‌ی مدیریت شهری فراهم شود (پورمحمدی، ۱۳۸۸: ۱).

هدف دولت‌ها از تقسیمات کشوری، عبارت‌اند از اداره بهتر امور منطقه‌ای و محلی، نظارت سیاسی و اعمال سیاست‌های دولت مرکزی، ایجاد وحدت و امنیت ملی، توسعه هماهنگ و پایدار، فراهم کردن زمینه برای عرضه‌ی خدمات و تأمین بهتر نیازهای اساسی مردم و توسعه رفاه اجتماعی و اقتصادی، نظارت سیاسی برای رسیدن به هدف‌های ملی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها، ناراحتی‌ها، تجزیه‌طلبی‌ها، فراهم کردن زمینه مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت خود. (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۵). اگر محله بندی شهر متناسب با معیارهای واقعی شهرسازی

(صمدی، ۱۳۷۲: ۳۹-۱۴۷) و... باعث شده که مشکلات و تقسیمات محله‌ای که در اکثر کلان‌شهرهای ایران و به‌خصوص شهرهای بزرگی نظیر تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز و... وجود دارد، مدیریت و ساختار مناسبی روی محله‌ها نداشته باشیم. با این وجود، همه این عوامل دست به دست هم داده است که تا در تقسیمات جدید، محلات عناصر و ارزش‌های خود را به دلیل عوامل فوق از دست به دهد و باعث ظهور مسائلی مانند: ۱. دگرگون‌بنیادی در شکل بافت محله ۲. تغییر شکل شبکه ارتباطی در نتیجه استفاده از اتومبیل ۳. کم شدن فضای باز و سبز ۴. کم شدن فضای مفید سکونتی ۵. کم شدن اهمیت مقیاس پیاده (مقیاس انسانی) ۶. تغییر شکل و گسترش فعالیت‌های محله ۷. از بین رفتن حجاب سکونتی ۸. کم‌رنگ شدن ارزش‌های فرهنگی (صمدی، ۱۳۷۲: ۶۶) شود.

حتی طرح‌های توسعه و عمران شهرهای جدید نیز به بحرانی جدید در ارتباط با مفهوم محله مبتلا هستند و بی‌توجهی به پیشینه و ماهیت محلات سنتی ایرانی و غلبه عوامل مادی بر عوامل معنوی طراحی و همچنین غلبه ماشین بر انسان در طراحی‌ها و تقسیمات شهری سبب شده است تا در فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی و توسعه این شهرها، مفهوم محله، مفهومی کاملاً غریب و بی‌معنا باشد و تنها در حد یک واحد تقسیمات شهری به کار گرفته شود. بدیهی است که نبود حداقل حیات محله‌ای، خود می‌تواند عاملی محدودیت‌زا در ایجاد هویتی مستقل برای این شهر باشد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹).

۳- تحلیل یافته‌ها: شاخص‌های مرزبندی محلات در دوره‌های مختلف

هم تفکیک گردیده و بافت منسجم محله و ارتباطات بین هم‌محله‌ای‌ها از بین رفته است. اساساً با تضعیف مفاهیم محله و هم‌محله‌ای، افراد ساکن در یک محل احساس تعلق چندانی به محله خود ننموده و طبیعتاً احساس مسئولیتی نیز در قبال مسائل محله خود نمی‌نمایند (دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور، ۱۳۸۱). در کنار موارد فوق و همچنین به دلیل مشکلات مدیریتی و نامناسب بودن ساختار یکپارچه و هماهنگ تقسیمات شهری مانند:

۱. نظام متمرکز اداری و بخشی کشور که سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت سلسله‌مراتبی بالا به پایین را به وجود آورده و هریک از بخش‌های اداری کشور به‌صورت مجزا هدف‌گذاری و اقدام به برنامه‌ریزی و اجرا آن‌ها می‌نمایند؛ ۲. نامشخص بودن مرجع هماهنگی و یکپارچگی در حوزه سیاست‌گذاری و اجرا قانونی در سطوح منطقه‌ای و محلی به‌ویژه در شهرها

۳. عدم تعهد قانونی (رهنما، ۱۳۸۴)؛ ۴. تعدد و تنوع وظایف شهری و اجباری برای هماهنگی بین دستگاه‌های اجرائی ناکامی تلاش‌های انجام‌یافته؛ ۶. تغییر ماده ۱۳۶ برنامه سوم توسعه در قالب برنامه چهارم توسعه و تغییر محتوای آن از جهت مدیریت یکپارچه شهری به جهات دیگر؛ ۷. عدم تشکیل مدیریت یکپارچه کلان‌شهری؛ ۸. عدم استفاده از تکنولوژی برتر در زمینه‌ی برنامه‌ریزی فضایی و تشکیل پایگاه اطلاعات شهری؛ ۹. عدم توجه به تقسیمات کالبدی در جهت مدیریت یکپارچه شهری موجب ناهماهنگی در اداره و کنترل ساختار و کالبد شهری و موازی‌کاری و سرگردانی شهروندان، تخریب سرمایه‌های عمومی و بسیاری از مشکلات ناهماهنگی در ساختار کالبدی شهرها شده است

در جدول شماره ۱ تحول محله‌های شهری از دوران

جدول ۱- تحول محله‌های شهری از دوران باستان تاکنون

شاخص‌های تقسیمات محله‌ای	دوره
شاخص اجتماعی و فرهنگی شاخص اقتصادی	دوران باستان
شاخص اجتماعی و فرهنگی.	پس از ورود اسلام به ایران
شاخص اجتماعی و فرهنگی شاخص اقتصادی	دوره قاجاریه
شاخص اداری، سیاسی و کالبدی	دوره پهلوی اول
شاخص اداری، سیاسی و کالبدی شاخص اقتصادی	دوره پهلوی دوم
شاخص اداری، سیاسی و کالبدی شاخص اقتصادی.	دوره جمهوری اسلامی

منابع: (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۸؛ تکمیل همایون، ۱۳۸۲: ۷۶؛ صمدی، ۱۳۷۲: ۱۱۷-۱۳۵؛ حبیبی، ۱۳۶۴: ۵۰؛ حبیبی، ۱۳۷۵: ۹۶؛ سلطان‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۳۷؛ اشرف، ۱۳۵۳: ۳۹؛ صمدی، ۱۳۷۲: ۸۷؛ سلطان‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶؛ عبدالهی مهر، ۱۳۹۰: ۱؛ حبیبی، ۱۳۶۴: ۵۰؛ خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۶؛ صمدی، ۱۳۷۲: ۴۲؛ نجم‌الدوله، ۱۳۵۳: ۳۴؛ گودرزی، ۱۳۷۷: ۱۳۷۷؛ صمدی، ۱۳۷۲: ۶۴؛ هادی پور، ۱۳۸۸: ۹۹-۱۰۱؛ مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸۸: ۱۵؛ مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸۹: ۱۴).

(۱۸۰۰) و رود دره (درکه) عواملی هستند که در مرزبندی تقسیمات شهری ملاک عمل شهرداری تهران ایفای نقش کرده‌اند (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸۸: ۱۶).

بر اساس تقسیمات کالبدی، منطقه یک شهر تهران دارای ۱۰ ناحیه و ۲۶ محله است. تصمیمات اداری - سیاسی، ساخت‌وسازهای جدید و فعالیت‌های عمرانی به‌ویژه احداث شبکه‌های جدید ارتباطی موجب تغییر مرزهای قدیمی محلات منطقه ۱ شده است. بر اساس ارزیابی محدوده تقسیمات شهری، منطقه ۱ دارای نقاط ضعفی است که مهم‌ترین آن‌ها شامل عدم خوانایی مرز شمالی، عدم خوانایی مرزبندی‌های داخل مناطق، پارگی در محدوده روستای درکه (وجود تناقض در ضوابط و مقررات دو طرف رودخانه)، عدم هم‌خوانی مساحت و میزان جمعیت نواحی و محلات، عدم توجه به هویت‌های تاریخی و طبیعی مناطق در مرزبندی‌ها، گسیختگی کالبدی و اجتماعی محلات، عدم توجه به هویت‌های تاریخی و طبیعی محلات در مرزبندی‌ها، عدم اعمال مدیریت واحد بر محدوده‌هایی منسجم از لحاظ

بررسی شاخص‌های تقسیمات محله‌ای در منطقه ۱ شهر تهران^۶

منطقه یک شهرداری تهران شمالی‌ترین منطقه تهران به شمار می‌رود و به لحاظ طراحی شهری دارای بافتی شبه روستایی است. مرز شمالی آن بر مرز شمال تهران (خطوط ارتفاعی ۱۸۰۰ متر) منطبق است. این منطقه از غرب توسط رود دره درکه با منطقه ۲، از جنوب توسط بزرگراه‌های چمران، مدرس، صدر با منطقه ۳، از شرق با محور دارآباد - بی بی شهربانو و از جنوب شرقی توسط بزرگراه ازگل با منطقه ۴ شهرداری تهران هم‌مرز است (مهندسین مشاور بافت شهر (طرح تفصیلی منطقه ۱ تهران)، ۱۳۸۴: ۲). بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت منطقه یک ۴۳۹ هزار نفر و دارای ۱۴۱۴۲۶ خانوار است.^۷ کوه، دشت، عوارض زمین‌نگاری و رود دره از جمله عناصر بستر طبیعی کلان‌شهر تهران هستند. در میان این عناصر، ارتفاعات و تراز ارتفاعی

^۶ The District 1 Of Tehran Municipality

^۷ www.motaleat.farhangsara.ir

تهران، درکه در دو منطقه واقع شده است که یکی از مشکلات عمده این محله محسوب می‌شود. اکثریت مردم (۹۰ درصد) مرز محله خود را می‌شناسند ولی دچار نوعی سردرگمی هستند. پرسش‌شوندگان علاقه‌مند به یکی شدن منطقه بوده، تا این دوپارگی از بین برود. محله درکه تکیه شده است و با محدوده خدماتی سازمان‌های مختلف شهری مانند آموزش و پرورش، شهرداری، پلیس و مخابرات تطابق ندارد و باعث سردرگمی افراد گردیده است.

- بررسی شاخص‌های تقسیمات محله‌ای در محله قیطریه:

قیطریه یکی از محلات قدیم و درگذشته شکارگاه بوده است. این محله در منطقه ۱ ناحیه ۷ واقع شده است و از شمال به محله حکمت و بلوار اندزگو، از جنوب به دروس و قل‌هک (بزرگراه صدر)، از غرب به خیابان شریعتی و از شرق به چیدر و اختیاریه محدود می‌شود (مختاری، ۱۳۸۹: ۱). این محله دارای جمعیت ۲۱۳۵۲ نفر (مختاری، ۱۳۸۹: ۹) و دارای بافت اجتماعی و قومی خصوصاً در تپه قیطریه است. محله قیطریه در منطقه یک شهر تهران، دارای مشکلات مرزبندی است. بر اساس شاخص سیاسی و اداری، خیابان برادران ذاکری و میدان کتابی درگذشته جزء محله قیطریه بوده‌اند و امروزه از محله جدا گشته‌اند به گونه‌ای که تمام اهالی قیطریه آن‌ها را جزء محله می‌دانند. (برگرفته از نشست علمی - نشست علمی تقسیمات محله‌ای در شهر تهران در سال ۱۳۹۴ - و مصاحبه با دبیر دبیران شوراییاران منطقه ۱ شهر تهران - سید مهدی اعرابی: دبیر دبیران شوراییاران منطقه ۱ و دبیر شوراییاران محله اوین -). محله قیطریه به دو قسمت مرفه نشین (خیابان سهیل و محدوده اطراف پارک قیطریه واقع

کارکردی، کالبدی و هویتی (مهندسین مشاور شاران، ۱۳۸۸: ۱-۶۲)، عبور بزرگراه‌ها از درون منطقه و ایجاد گسیختگی (بزرگراه یادگار امام و صدر)، عدم تأثیر سکونت و فعالیت در مرزبندی و تأثیرگذاری راه و شبکه در مرزبندی است.

- بررسی شاخص‌های تقسیمات محله‌ای در محله درکه:

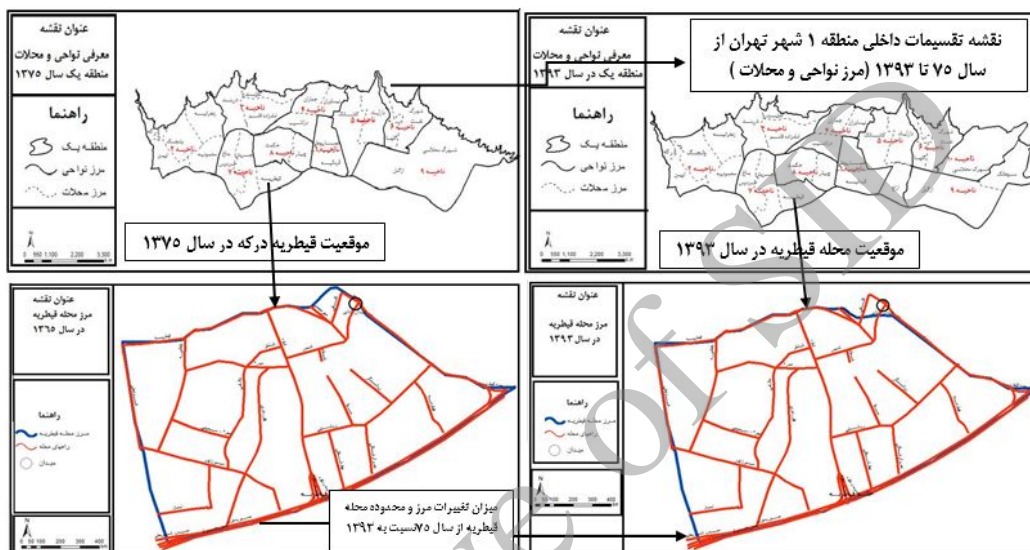
محله درکه از روستاهای قدیمی حاشیه شهر بوده که در جریان توسعه تهران در میان بافت‌های شهری قرار گرفته است. امروزه درکه در دو منطقه ۱ ناحیه ۲ و منطقه ۲ ناحیه ۱ واقع شده است سطح بین منطقه یک و دو شهرداری تهران است و از شمال به ارتفاعات توچال، در مرز شرقی با ولنجک، در مرز غربی، با منطقه ۲ (ارتفاعات مشرف به حصارک) و از جنوب به اوین و سعادت‌آباد منتهی می‌گردد.^۸ (ثابتی، ۱۳۷۲) و (یاقوت، ۱۳۸۹: ۱). وجود امامزاده به‌عنوان عاملی فرهنگی و پیوند قومی و قرابت‌های فامیلی به‌عنوان عاملی اجتماعی باعث ایجاد همبستگی قوی اجتماعی بین اهالی شده است. بر طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۸۵ محله درکه ۶۳۵۵ نفر جمعیت داشته است (مهندسین مشاور سرواند، طرح توسعه منطقه ۲ شهرداری تهران، ۱۳۸۴).

از نظر تقسیمات سیاسی شهر تهران، این محله در دو منطقه واقع شده است که یکی از مشکلات عمده این محله محسوب می‌شود. یک‌سوم محله درکه در ناحیه دو منطقه یک و مابقی در ناحیه یک منطقه دو واقع شده است (حقیق‌شناس، ۱۳۸۹: ۱۰۳). در تقسیم‌بندی محله علی‌رغم بافت قدیمی و منسجم اجتماعی موجود در محله به شاخص اجتماعی توجه ای نگردیده است. از نظر تقسیمات سیاسی شهر

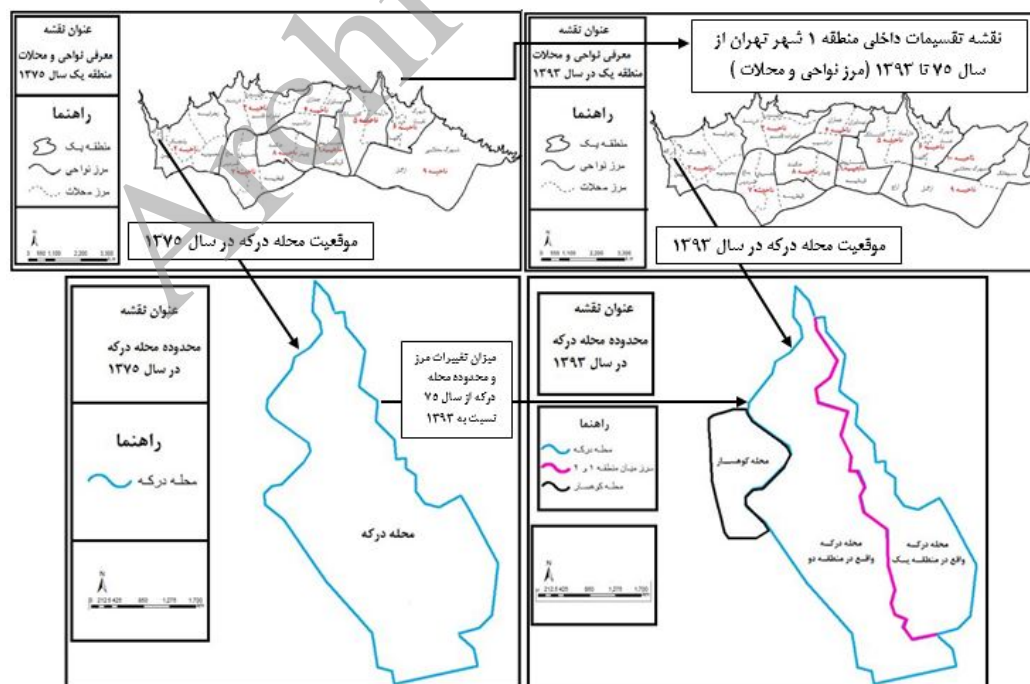
۸ سند هویت محله

به‌نوعی باعث نوعی جدایی بین اهالی قیطریه گردیده است. محله بندی جدید باعث دوپارگی محله شده است و محله را در دو ناحیه قرار داده است. مردم محله میدان کتابی و خیابان ذاکری را جزء محله می‌دانستند و از جدایی آن‌ها از قیطریه ناآگاه بودند.

در قیطریه جنوبی) و فقیرنشین (محدوده بافت فرسوده و تپه قیطریه واقع در قیطریه شمالی) تقسیم گردیده است. بر اساس این‌گونه مرزبندی، گسست اجتماعی، سردرگمی، مشکلات خدمات‌رسانی و غیره به وقوع پیوسته است. از سویی این محله به دو قسمت شمالی و جنوبی نیز تقسیم گردیده است که



شکل ۱- موقعیت محله‌های قیطریه و درکه در منطقه یک کلان‌شهر تهران



شکل ۲- نقشه مرز و راه‌های محله قیطریه از سال ۷۵ تا ۱۳۹۳: مأخذ: نگارندگان

نشان‌دهنده ایده‌آل بودن آن و کمترین (بیشترین) ارزش موجود از آن مشخص‌کننده ایده‌آل منفی آن باشد.

ب) فاصله یک گزینه از ایده‌آل و ایده‌آل منفی بسته به نرخ تبادل و جایگزینی بین شاخص‌ها به دو صورت قابل محاسبه است: به صورت اقلیدسی و یا به صورت مجموع قدر مطلق از فواصل خطی.

در این مرحله نزدیکی نسبی ($-D$) نسبت به ($+D$) محاسبه شده و سپس اقدام به رتبه‌بندی گزینه‌ها بر اساس مقدار به دست آمده که بین صفر و یک در نوسان است خواهد شد. هر چه این مقدار به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده رتبه بالا و هر چه مقدار مذکور به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده رتبه کمتر است (جدول ۲).

تجزیه و تحلیل وضعیت موجود مرزبندی محلات موردبررسی بر اساس تکنیک تاپسیس - برای اشنایی بیشتر با مدل تاپسیس به کتاب کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای رجوع شود- در تکنیک تاپسیس دو نوع فاصله در نظر گرفته می‌شود. فاصله گزینه از نقطه ایده‌آل و از نقطه ایده‌آل منفی؛ به این معنی که گزینه انتخابی باید دارای کمترین فاصله از راه‌حل ایده‌آل و بیشترین فاصله از راه‌حل ایده‌آل منفی باشد (اصغر پور، ۱۳۸۵). اصول اساسی این روش که در مقاله حاضر مورد استفاده قرار گرفته است عبارت‌اند از:

الف) مطلوبیت هر شاخص باید به‌طور یکنواخت افزایشی (کاهشی) باشد یعنی با افزایش I_{ij} مطلوبیت افزایش یابد (یا برعکس) که در این صورت بیشترین (کمترین) ارزش موجود از یک شاخص

جدول (۲) عوامل مؤثر بر تغییر مرزبندی بر اساس نظرات مسئولان و ساکنان محله با استفاده از مدل تاپسیس

عوامل مؤثر در تغییر مرزبندی محله‌های شهری منطقه ۱ شهر تهران	عوامل مؤثر در تغییر مرزبندی محله‌های شهری از نظر ساکنان محله				عوامل مؤثر در تغییر مرزبندی محله‌های شهری از نظر مسئولان			
	Di+	Di-	CLi	رتبه	Di+	Di-	CLi	رتبه
خیابان‌ها، بلوارها و بزرگراه‌ها	0/292077	0/129458	0/307111	8	0/399391	0	0	11
ساختمان‌ها و بناهای مسکونی و تجاری	0/337061	0/084474	0/200396	9	0/218111	0/18128	0/453892	6
مانک‌ها و فضاهای عمومی	0/079624	0/341911	0/811109	3	0/311458	0/087933	0/220167	9
پیاده‌روها و کنارگذرها	0/248377	0/173158	0/41078	7	0/35495	0/044441	0/111273	10
نمادهای هویت‌بخش	0/116647	0/304889	0/723281	4	0/111851	0/28754	0/719946	4
زیرساخت‌ها	0/421535	0	0	11	0/231622	0/167769	0/420063	7
تقسیمات اداری و سیاسی	0/348479	0/073056	0/173311	10	0/275126	0/124266	0/311138	8
ویژگی‌های اجتماعی مشترک	0/041987	0/379549	0/900396	2	0	0/399391	1	1
ویژگی‌های تاریخی مشترک	0/165571	0/255964	0/60722	5	0/071942	0/32745	0/819872	3
ویژگی‌های فرهنگی مشترک	0	0/421535	1	1	0/036358	0/363034	0/908968	2
ویژگی‌های اقتصادی مشترک	0/179885	0/24165	0/573262	6	0/155442	0/243949	0/610803	5

یافته‌های پژوهش

سیاسی، ساختمان‌ها و بناهای مسکونی و تجاری و زیرساخت‌ها و .. بر اساس وضعیت موجود انتخاب گردید. این عوامل در حال حاضر با توجه به مطالعات

با توجه به مطالعات میدانی تعدادی عناصر در جهت تعیین قلمرو محلات مانند خیابان‌ها، بلوارها و بزرگراه‌ها، ویژگی‌های اجتماعی، تقسیمات اداری و

میدانی و کتابخانه‌ای از مهم‌ترین و مؤثرترین معیارها در جهت تعیین قلمرو محلات می‌باشند. زیرا ارائه شاخص‌های مناسب جهت محله بندی و تعیین مرز آنها، در مسیر افزایش هویت محله‌ها و در نتیجه افزایش مشارکت مردم محله و سرمایه‌ی اجتماعی بیشترین گام را خواهیم برداشت. لذا مرزبندی بر اساس ملاک‌های خشک و غیرمنطقی همچون سلسله‌مراتب شبکه ارتباطی منجر به تقسیم شهر به واحدهای کالبدی یکنواخت و ایستا می‌شود که در آن ارتباطات انسانی و اجتماعی به حداقل خود می‌رسد. به همین خاطر از معیارهای خاصی در همین راستا استفاده شده است که در جدول فوق ارائه گردیده است.

با توجه به مطالب مذکور، از بررسی پرسشنامه‌های حاصله و نتایج حاصل از مدل تاپسیس از منظر مسئولان و ساکنان محله منعکس کننده این مطلب است که دیدگاه‌های نسبتاً متفاوتی بین این دو گروه در مرزبندی محلات در وضع موجود وجود دارد. به طوری که نتایج حاصل از نظر مسئولان بیانگر آن است که در بین معیارهای موردسنجش ویژگی‌های اجتماعی با کسب امتیاز (۱) در جایگاه نخست واقع شده است و نشان می‌دهد که این مؤلفه نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر مؤلفه در مرزبندی کنونی محلات دارا است. مؤلفه فرهنگی با کسب امتیاز (۰,۹۰۸) توانسته است بعد از مؤلفه اجتماعی بیشترین اثرگذاری را در مرزبندی محلات مورد مطالعه داشته باشد. این دو مؤلفه در مرزبندی محلات به دلیل تأکید بر همبستگی اجتماعی و تعلق مکانی جایگاه بهتری در بین مؤلفه‌های مذکور از نظر متخصصین و مسئولان داشته است. مؤلفه تاریخی بعد از دو مؤلفه (اجتماعی و فرهنگی) در جایگاه سوم با توجه به

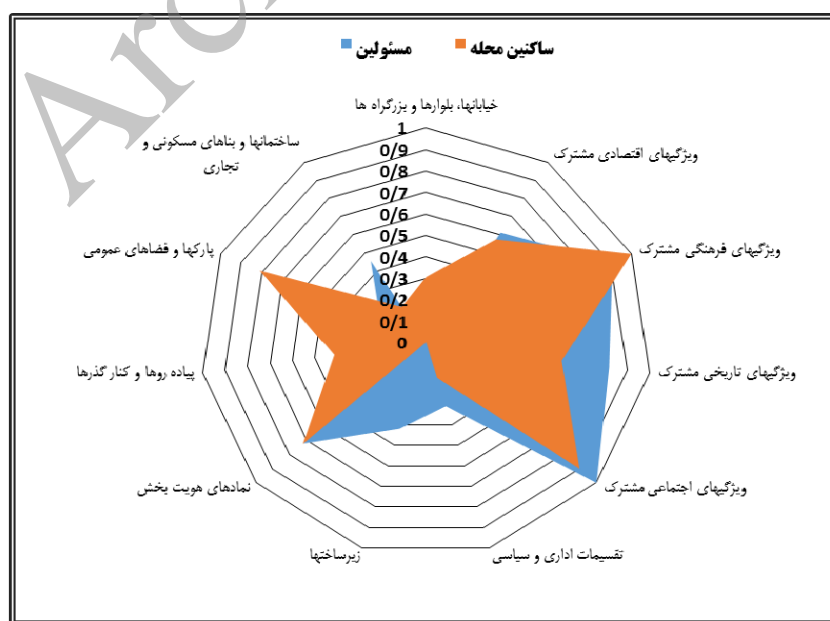
امتیاز (۰,۸۱۹) قرار گرفته است و این مؤلفه نیز با توجه به ویژگی‌های خود در مرزبندی محلات مورد مطالعه نقش مؤثری داشته است. به توجه به رتبه‌های اول تا سوم این مؤلفه‌ها بر اساس نظر متخصصان نشان از کارایی و اثربخشی این مؤلفه‌ها نسبت به سایر مؤلفه‌ها بوده است و این مؤلفه‌ها به دلیل تأکید بر همبستگی اجتماعی و تعلق مکانی، باعث افزایش مشارکت مردمی، افزایش حس تعلق، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش سازمان‌های مردم‌نهاد در محله‌ها، ایجاد سطح دولت محلی و برنامه‌ریزی محله مینا می‌شود. با وجود این در کنار این مؤلفه‌های مؤثر، مؤلفه‌های نیز از لحاظ اثرگذاری در مرزبندی محلات بر اساس مدل مذکور در جایگاه‌های آخر واقع شده‌اند. از جمله آنها می‌توان به مانک‌ها و فضای عمومی، پیاده‌روها و کنارگذارها و خیابان‌ها و بلوارها اشاره کرد که به ترتیب کمترین امتیازهای (۰,۲۲۰)، (۰,۱۱۱) و (۰) را کسب کرده‌اند و نشان دهند کم‌اهمیت بودن این مؤلفه‌ها بر اساس نظر مسئولان و متخصصین امر است.

در همین راستا، نتایج حاصل از ساکنان محله نشان می‌دهد که در بین ۱۳ معیار مورد ارزیابی در جهت مرزبندی محلات کنونی، مؤلفه فرهنگی با امتیاز (۱) اولین مؤلفه اثرگذار و با اهمیت در مرزبندی محلات کنونی از نظر ساکنان محله بوده است و جایگاه اول را با توجه به کسب امتیاز نخست به خود اختصاص داده است و نقش بارزتری داشته است. مؤلفه‌های اجتماعی و پارک و فضاهای عمومی هر دو به ترتیب با کسب امتیازهای حاصل از مدل تاپسیس (۰,۹۰۰) و (۰,۸۱۱) در جایگاه‌های دوم و سوم واقع شده‌اند و نشان از اهمیت بالایی آنها در مرزبندی محلات مذکور است. مؤلفه زیرساخت‌ها با توجه به نظر

پررنگ شدن حضور مردم در محله به‌منظور مشارکت و نقش‌پذیری بیشتر فراهم می‌سازد. بنابراین کل شاخص‌های مذکور با توجه به نظرات مسئولان و ساکنان محله از جایگاه‌های خاصی برخوردار هستند و هرکدام از آن‌ها با توجه به جایگاه‌های خود می‌تواند اثرگذاری بهتری روی مرزبندی محلات داشته باشند و اگر همین شاخص‌ها در مرزبندی محلات به خوبی برنامه‌ریزی شود می‌تواند مقدمه توسعه پایدار و اصولی را پایه‌ریزی کند لذا اگر مرزبندی محلات بر اساس شاخص‌های نام‌برده شده، صورت نگیرد، مسائل و مشکلاتی زیادی در اتلاف منابع باوجود می‌آید و باعث عدم شکل‌گیری ارتباطات و اتصالات صحیح می‌شود و از سویی افراد ساکن محله برای تأمین بسیاری از نیازهای خود، به علت تکه شدن و تغییر مرز محله خود، مجبور به طی مسافت طولانی‌تری هستند. گسست اجتماعی به وجود آمده از مرزبندی نادرست محلات برخلاف اصول توسعه پایدار شهری است و هزینه‌های بسیاری را به همراه دارد.

ساکنان محله در جایگاه آخر واقع شده است و نشان از کم‌اهمیت بودن این معیار در جهت مرزبندی محلات مورد ارزیابی است (شکل ۳).

در مقام مقایسه می‌توان دریافت که در بین عوامل ذکر شده در بین دو گروه موردسنجش اختلافاتی در بین عوامل از لحاظ رتبه، میزان اثرگذاری و اهمیت آن‌ها در تعیین مرزبندی در بین محلات وجود دارد از جمله می‌توان به زیرساخت‌ها، پارک‌ها و فضاهای عمومی، خیابان‌ها و بزرگراه‌ها، ساختمان‌ها و بناهای موجود و .. اشاره کرد. لذا دو مؤلفه اجتماعی و فرهنگی در بین مسئولان و ساکنان محلات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و این مؤلفه‌ها به توجه کسب جایگاه‌های اول و دوم در بین دو گروه مورد مطالعه تأکید بر اثرگذاری مثبت آن‌ها در نوع مرزبندی محلات ذکر شده دارند و می‌توانند در چگونگی مرزبندی محلات نقش مهم‌تری نسبت به سایر مؤلفه‌ها از لحاظ عملکرد و کارایی داشته باشند. هم‌چنین این دو مؤلفه (اجتماعی و فرهنگی) با توجه به نظرات مردم و مسئولان، موجب همبستگی و نزدیک‌تر شدن مردم می‌گردید و زمینه‌ای برای



شکل ۳- نمودار وضعیت هر یک از مؤلفه‌های موردبررسی توسط مسئولان و ساکنان محله

۴- نتیجه‌گیری

محله به عنوان کوچک‌ترین فضای شهری، سلول حیات شهری و عنصری پویا در حکمروایی شایسته شهری مد نظر است. تقسیمات و مرزبندی محله‌های شهری از دوره اسلامی تا دوره جدید دستخوش تغییر و تحول شده است. محله بندی در گذشته بر اساس شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته است اما در دوره معاصر اصول فرهنگ بومی - اسلامی و درون‌گرایی محله‌های شهری کم‌رنگ شده با احداث خیابان‌های متقاطع و وسیع همچنین جابجایی گسترده جمعیتی با ایجاد مشاغل جدید باعث از هم گسیختگی ساختار بازار و محلات قدیمی، گسست اجتماعی محلات سنتی و افزایش تراکم در بعضی از محلات گردید. محله بندی در دوره معاصر بر اساس شاخص‌های کالبدی، سیاسی و اقتصادی مانند تصمیمات اداری - سیاسی، ساخت‌وسازهای جدید و فعالیت‌های عمرانی به‌ویژه احداث شبکه‌های جدید ارتباطی صورت گرفته که کاهش حس تعلق و هویت اجتماعی محلات را به دنبال داشته است.

منطقه ۱ شهر تهران نیز که شامل روستاهای قدیمی تغییر شکل یافته و محله‌های جدید شهری است، با توجه به شرایط پیش آمده، ناشی از مرزبندی‌های جدید با مشکلاتی چون جدایی‌گزینی اجتماعی، تفکیک فضایی درون محله، در هم ریختگی کاربری‌ها و محدودیت‌ها و مشکلات خدمات‌رسانی روبرو است.

در مرزبندی محلات باید از شاخص‌های ذیل به شکل ترکیبی استفاده کرد. مرزبندی بر اساس شاخص‌های سیاسی نادرست و همراه با شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی به شکل همسو، قدمی در مسیر مدیریت خردمندانه و توسعه پایدار شهری به حساب می‌آید. در همین راستا در این پژوهش از ۱۱ تا عامل در جهت مرزبندی محلات استفاده شده است. برای ارزیابی این عوامل از دو گروه (مسئولان و ساکنان محلات) استفاده شده است. اگرچه در بین مؤلفه‌های مورد سنجش در بین دو گروه بر اساس مدل تاپسیس نسبتاً متفاوت است. اما این دو گروه در بین عوامل مورد سنجش، بر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی که بیشترین کارایی در مرزبندی محلات مذکور داشته است، تأکید داشتند و این دو عامل از نظر این دو گروه به دلیل تأکید بر همبستگی اجتماعی و تعلق مکانی، باعث افزایش مشارکت مردمی در نحوه مرزبندی، افزایش حس تعلق، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش سازمان‌های مردم‌نهاد در محله‌ها، ایجاد سطح دولت محلی و برنامه‌ریزی محله مبنا می‌شود. سایر عوامل نیز با اختلافات نسبی در جایگاه‌های بعدی قرار دارند و هر کدام از آنها بر اساس نظرات ساکنان محله و مسئولان جایگاه‌های خاصی بر اساس مدل مذکور کسب کرده‌اند.

۵- پیشنهادها

با توجه به موارد مذکور و جهت رفع مشکلات مرزبندی محلات مورد سنجش و چگونگی ترفیع هر یک از محلات ذکر شده راهکارهای در زیر اشاره می‌شود:

درآمدی_ اقتصادی با تسلط ویژگی‌های اجتماعی باشد. محلات درکه و قیطریه دارای بافت قدیمی و با هویتی هستند و دارای بخش‌های نوساز و جدید با سطح درآمدی بالا است که باید در مرزبندی در نظر گرفته شوند که از محله جدا نگردند و هویتی با هسته اولیه محلات داشته باشند).

۵. توجه به منافع مشترک مادی (در مرزبندی امکانات، حمل‌ونقل، خدمات، تأسیسات، زیرساخت‌ها و فضاها نیز توجه شود و به‌گونه‌ای باشد که خدمات‌رسانی به بهترین حالت انجام شود. علاوه بر اینکه به خصوصیات اجتماعی محلات توجه می‌شود باید به منافع مشترک مادی نیز توجه شود).

۶. توجه به منافع مشترک معنوی (استفاده از تأسیسات آموزشی، مذهبی یکسان از جمله مسجد، سینما و مدرسه در تقسیم‌بندی محلات).

۷. در نظر گرفتن نقاط مشترک در ایجاد سازمان اجتماعی خودرو (انجمن‌ها)

۸. توجه به نشانه‌های شهری که هویت‌زا هستند (در مرزبندی نباید نشانه‌هایی مانند امامزاده، مجسمه، درخت، حمام، قبرستان و مکان‌های تاریخی فراموش کرد و باید در مرز محله قرار گیرند مانند مسجد، درخت و امامزاده درکه که در بخش واقع در منطقه ۲ قرار گرفته است. وجود مساجد و حسینیه‌های قدیمی در محلات درکه و قیطریه، پارک قیطریه، مجسمه امیرکبیر در پارک قیطریه، دختان دویست و صدساله در درکه و امامزاده والی درکه از نمونه‌های هویت‌بخش محلات منطقه یک می‌باشند).

۹. در نظر گرفتن انسجام هویتی، کارکردی، کالبدی و اجتماعی (در مرزبندی نباید انسجام هویتی، کارکردی، کالبدی و اجتماعی و محدوده گذشته

۱. تلفیق دو شیوه (شاخص‌های اجتماعی و شاخص‌های اداری_ سیاسی) با توجه به شرایط بومی (تقسیم‌بندی بر اساس قوانین مرزبندی، راه‌ها و تصمیمات شهرداری‌ها بر اساس طرح‌ها با توجه به پیوستگی اجتماعی، قومی و عدم ایجاد گسست در این همبستگی. محلات درکه و قیطریه دارای بافت اجتماعی و فرهنگی قوی است).

۲. تأکید بر عناصر طبیعی در سطح شهر در ارتباط با محله بندی (وجود کوه، مسیل، رود_ دره‌ها و تپه‌ها که اگر از گذشته جزء محله محسوب می‌شدند بایستی از محله جدا نگردند و محله‌ها را نباید بر اساس آن‌ها نیز تفکیک کرد. عناصر طبیعی رود_ دره و مسیل در مرز محلات درکه مهم است مانند رود دره درکه که در وسط محله واقع گردیده و بر اساس تقسیمات کنونی، محله را دوپاره کرده است و یا تپه قیطریه را نباید از محله جدا کرد).

۳. در نظر گرفتن ویژگی‌های مشترک فرهنگی ساکنان (مراسم مذهبی در مساجد، حسینیه و تکایا و فعالیت‌های فرهنگی موجود در منطقه یک تهران به علت بافت قدیمی و هویت تاریخی وجود دارد. شعاع نفوذ مسجد و مرکز محله مشخص شود زیرا در مرزبندی مهم خواهد بود. در مرزبندی بایستی به این ویژگی توجه شایانی شود نباید باعث گسست و خلل در این هویت فرهنگی محلات شویم. هسته اولیه و بخش بومی محلات درکه (روستای درکه) و قیطریه (تپه قیطریه) دارای مسجد و حسینیه هستند و در برپایی مراسم مذهبی مهم تلقی می‌شوند).

۴. توجه به ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی با توجه به تنوع فعالیت‌ها در هر محله (مرزبندی بر اساس ویژگی‌های قومی_ اجتماعی در کنار ویژگی‌های

تحصیلات، مهدی و فزولق، حبیب (۷۲_۱۳۷۱)،
ضوابط و معیارهای تعیین محله شهری، پایان
نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تهران،
استاد راهنما: دکتر لقائی.

تقی زاده، محمد (۱۳۷۹)، فرهنگ اسلامی توسعه
پایدار، فصلنامه ی مدیریت شهری، سال اول،
شماره ۳.

تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۲)، از مجموعه از ایران
چه می دانم؟، تهران، انتشارات دفتر پژوهشهای
فرهنگی.

تولایی، نوین (۱۳۸۶)، شکل منسجم شهر، تهران،
انتشارات امیرکبیر.

ثابتی، علیرضا (۱۳۷۳)، مطالعات زیست محیطی
تهران بزرگ، سازمان نوسازی شهر تهران، تهران.
حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی
و اجتماعی، سازمان حوزه ها و مدارس علمیه ی
خارج از کشور.

حبیبی، محسن (۱۳۶۴): سیر تحولات مجتمع های
زیستی در ایران (شهرنشینی و شهرگرایی)، گروه
شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

حبیبی، محسن (۱۳۶۴)، سیر تحولات مجتمع های
زیستی در ایران، دانشگاه تهران، گروه شهرسازی.

حبیبی، محسن (۱۳۷۵)، از شار تا شهر، تحلیلی
تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر
و تاجر، انتشارات دانشگاه تهران.

حق شناس، احمد (۱۳۸۹)، توسعه محله ای در
کلانشهر تهران (محله درکه)، پایان نامه جهت
اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و
برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی،
راهنما: محمد تقی رضویان.

محلات را از بین برد. محلات درکه و قیطریه دارای
انسجام هویتی، اجتماعی و کالبدی هستند. محله
قیطریه درگذشته با خیابان ذاکری و میدان کتابی یک
محله محسوب می شده است و محله درکه درگذشته
یکپارچه بوده است).

۱۰. توجه به عملکردهای همگن و نظام مراکز اصلی
شهر

۱۱. در نظر گرفتن مشارکت مردم در تعیین حدود
محله (در بازسازی، نوسازی، مرمت، بهسازی،
شکل گیری بافت های هویت زا، مرکز محله، سیما و
منظر محله ای و غیره در نظر گرفته شود. محلات
درکه و قیطریه دارای سرمایه اجتماعی بالایی است
اکثریت محلات دارای مرکز محله هستند مانند درکه
(میدان درکه و نزدیک مسجد) و قیطریه (سه راه
قیطریه و پارک قیطریه) که بر اساس آن ها و نظرات
مردم می توان محدوده محله را تشخیص داد).

منابع

اشرف، احمد (۱۳۵۳)، ویژگی های شهرنشینی در
ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، شماره
۴.

بحرینی، حسین، بلوکی، بهناز و تقابن، سوده (۱۳۸۸)،
تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، جلد
اول، اواخر قرن ۱۹ تا دهه هفتم قرن ۲۰ میلادی،
تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

پاپلی یزدی، محمدحسین و ابوالقاسم حسینیون
(1366)، مهاجرت روستایی خراسان، نقشه های
پایه، فصلنامه ی تحقیقات جغرافیای، سال دوم،
شماره 3

صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، توسعه پایدار و مسئولیت برنامه ریزان شهری، ماهنامه ی معماری و شهرسازی، شماره ۳۵.

صمدی، محسن (۱۳۷۲)، مطالعه ای پیرامون تقسیمات شهری، منطقه ای (مورد: تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، راهنما: احمد سعید نیا.

عبداللهی مهر، انسیه (۱۳۹۰)، تطبیق اصول شهرسازی باافتهای تاریخی شهرهای ایرانی- اسلامی با اصول طراحی شهری معاصر، کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی گرایش طراحی شهری، دانشگاه تهران، راهنما: سید حسین بحرینی.

کوثری، مسعود و همکارانش، (۱۳۸۶)، توسعه فرهنگی تهران (برنامه ریزی محلی)، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.

گودرزی، فطرس (۱۳۷۷)، نوسازی شهری، انطباق بافت جدید با بافت قدیم (محور نواب)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، راهنما: احمد سعید نیا.

مجموعه گزارشات همایش های محله ای شهر تهران در حوزه اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۸)، چاپ اول، موسسه نشر شهر.

محمدزاده، سجاد (۱۳۸۵)، تحلیل پایداری در سطح محلات شهری (ماکو)، پایان نامه کارشناسی ارشد گرایش برنامه ریزی شهری، به راهنمایی دکتر تقی رضویان، مشاور: ژیل سجاد.

مختاری، قیطریه (۱۳۸۹)، توصیف محله قیطریه، با نظارت اداره مطالعات منطقه ۱، مدیر پروژه: شرکت اندیشه سرای شهر ۱.

موسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی (۱۳۷۲)، فصلنامه ی پژوهش و برنامه ریزی، تهران.

حمیدی، ملیحه و دیگران (۱۳۷۶)، استخوان بندی شهر تهران، تهران، سازمان مشاور و مهندسی شهر تهران.

خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت الله مافی، مشهد، نشر نیکا.

دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور (۱۳۸۱)، مدیریت شهری پای دار، بررسی تجارب مشارکتی شهرداری ها و شورا های اسلامی شهر های ایران، سازمان شهر داری های کشور.

روحانی، ساسان (۱۳۶۱)، طرح ایجاد، بازسازی و احیای محله، سلسله مقالات بخش برنامه ریزی و جامعه شناسی، شماره ۷.

سبحانی، آنا (۱۳۸۵)، باز تولید مفهوم محله از گذشته تا امروز (مطالعه موردی: محله ۱۶ منطقه ۱۱ شهر تهران)، دانشکده شهرسازی رشته برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران، راهنما: فرشاد نوریان.

سلطانزاده، حسین (۱۳۶۷)، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، نشر امیرکبیر، تهران.

شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندان، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه ی مدیریت شهری، شماره ۸، انتشارات سازمان شهرداری ها.

شکویی، حسین (۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، چاپ ۲، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).

شمدادی، هرمز (۱۳۷۱)، کاربرد شاخصهای اجتماعی و اقتصادی در برنامه ریزی توسعه، چاپ اول، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

دکتری دانشگاه تهران، راهنما: محمد تقی رهنمایی، مشاوران: رحمت الله فرهودی و محمد باقر قالیباف.

هادی پور، حلیمه خاتون، فرهودی، رحمت الله و احمد پور، احمد (۱۳۸۵)، معیارهای موثر در مرزبندی نواحی مختلف شهری (منطقه ۱ شهرداری تهران) مجله پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۵۶.

یاقوت، جواد (۱۳۸۹)، توصیف محله درکه، مدیر پروژه: موسسه اندیشه سرای شهر، معاون اجتماعی: محسن جلالی فراهانی.

Brehany, Micheal & Ralph Rock Wook (1994), Planning the Sustainable City Region; London: Earthscan Pub.

Edward, Lemon & John E. Cox (1991), Sustainable Urban Development: Strategic Considerations for Urbanization Nation, Ekistics; Vol. 58, No. 248/349.

Herbert, Giradet (1992), New Direction for Sustainable Urban Living; London: Gaia Books, Limited.

Oana, J, R (2001), Community based approach for sustainable urban renewal in Manila.

Steutevilla, Robert (2004), The New Urbanism: An Alternative To Modern.

Steutevilla, Robert (2004), The New Urbanism: An Alternative To Modern. automobile-oriented planning development.

World Health organization (2003), Frequently Asked Question about Community- Based Initiatives, Regional Office for the Eastern Mediterrean Cairo, Nasr City, Egypt.

Johnston. R.J. & et al – “The Dictionary of Human Geography – Blackwell Publishers – USA- 2001.

Borton, Hugh(2003), etal, Shaping neighborhood, New York, Spen press.

Tomlinson. R.1969, Urban Structure, – Random Houss – New York- 1969

مهدی زاده، جواد و همکاران (۱۳۸۲)، برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، وزارت مسکن و شهر سازی.

مهدی زاده، جواد و همکاران (۱۳۸۲)، برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، وزارت مسکن و شهر سازی.

مهندسین مشاور بافت شهر (۱۳۸۴)، تهیه الگوی توسعه و طرح تفصیلی منطقه و همکاری با شهرداری منطقه ۱، دستگاه بهره بردار: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.

مهندسین مشاور بافت شهر (۱۳۸۶)، طرح تفصیلی منطقه ۱ شهر تهران، دستگاه بهره بردار: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.

مهندسین مشاور سراوند (۱۳۸۴)، الگوی توسعه منطقه دوش شهرداری تهران.

مهندسین مشاور شاران (۱۳۸۸)، طرح اصلاح تقسیمات شهری تهران، نهاد برنامه ریزی توسعه شهری تهران، گزارش شناخت وضع موجود و گزارش مطالعات پایه، خلاصه گزارش، ویرایش اول.

مهندسین مشاور شاران (۱۳۸۹)، طرح اصلاح تقسیمات شهری تهران، نهاد برنامه ریزی توسعه شهری تهران، گزارش تکمیلی مرحله دوم.

نجم الدوله، عبدالغفار (۱۳۵۳)، تشخیص نفوس دارالخلافه تهران، نشریه فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۰.

وزارت کشور (۱۳۷۸)، کتاب سبز، راهنمای شهرداریها، جلد چهارم، نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری.

هادی پور، حلیمه خاتون (۱۳۸۸)، توانمندسازی نظام مدیریت شهری با تاکید بر محله محوری و مشارکت مردمی (نمونه ی موردی: محله های شهرک غرب و سنگلج شهر تهران)، پایان نامه